



تبیین و سطح‌بندی ابعاد مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی

مهلقا شاهد^۱، حسن ستاری ساریانقلی^{۲*}، ارسلان طهماسبی^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

^۲ دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۳ استادیار گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴)

چکیده

معماری پارامتریک به عنوان یکی از رویکردهای مهم طراحی در دوران معاصر امکان ایده‌پردازی و خلق فرم‌های متنوعی را بوجود آورده است؛ اما با وجود پتانسیل‌های آن، در برخی موارد شکل‌گیری طرح‌های ناهماهنگ با مؤلفه‌های فرهنگی زمینه طراحی مشاهده می‌شود که منجر به کم‌رنگ شدن اهمیت زمینه‌های فرهنگی در تعریف فرم‌های پاسخگو به نیازهای انسانی شده است. از این رو بازخوانی ارتباط معماری پارامتریک با زمینه‌گرایی فرهنگی دارای ضرورت است. این تحقیق با هدف شناسایی و سطح‌بندی ابعاد مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی انجام گرفته است. روش تحقیق در گام اول به صورت مطالعات کتابخانه‌ای جهت شناسایی معیارها، مؤلفه‌ها و ابعاد مدل بوده و در وهله دوم با هدف سطح‌بندی ابعاد از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری و تحلیل MICMAC بهره گرفته شد. بر اساس مرور ادبیات مرتبط، مدلی متشکل از ۴۴ معیار، ۲۰ مؤلفه و ۹ بعد تبیین شد. همچنین یافته‌های رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری بیانگر آن است که فرایند علی‌ارتباط متغیرها در سه سطح قابل تمییز بوده که در سطح زیرین و مبنایی ابعاد مدل موردنظر، بعد «طراحی قاعده‌مند در ارتباط با زمینه فرهنگی» مشاهده می‌شود؛ بنابراین اصل اولیه در دستیابی به معماری پارامتریک مبتنی بر زمینه فرهنگی ایجاد ساختارهای قاعده‌مند و ترکیب عناصر فنی و فرهنگی بوده که نیازمند دستیابی به زبان مشترک در حوزه‌هایی چون معماری، فرهنگ و ریاضیات جهت تبیین الگوهای نظام‌مند و قابل اجرا در معماری معاصر است.

واژگان کلیدی

زمینه‌گرایی فرهنگی، معماری پارامتریک، فناوری دیجیتال، مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تحلیل MICMAC.

* نویسنده مسئول مکاتبات: sattari@iaut.ac.ir

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تحلیل جایگاه زمینه‌گرایی فرهنگی در روش‌های طراحی فضای معماری مبتنی بر به‌کارگیری فناوری دیجیتال با تأکید بر معماری پارامتریک» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج است.

امروزه در حیطه طراحی معماری، کاربرد ابزارهای مبتنی بر فناوری دیجیتال علاوه بر حوزه‌ی ترسیم و ارائه، در زمینه خلق ایده‌های نوین و فرایند تولید و تعریف فرم مورد توجه قرار گرفته است. محصول طراحی، نتیجه فرآیندی است که به‌طور کلی تحت تأثیر مستقیم رسانه‌های دیجیتال است (Tantawy, 2022). سیستم پارامتریک یک رویکرد جدید در معماری است و به عنوان یک ابزار طراحی مبتنی بر کامپیوتر شناخته شده است (Ziaee, Moztaezadeh, & Movahed, 2020, p. 168). معماری پارامتریک به عنوان زیرمجموعه‌ای از معماری دیجیتال در روش حل مسئله طراحی، به منظور کنترل فرآیند طراحی از هندسه، ریاضیات و کامپیوتر بهره جسته است (Zandieh & Ronagh, 2020, p. 276). طرح پارامتریک محصول اجتناب‌ناپذیری است که با شرایط تکنولوژی و بهره‌وری امروزی سازگار می‌شود و نوعی ساخت منطقی و در نهایت حل مسائل طراحی است (Liu, Jiao, & Zhang, 2016). نتایج طراحی پارامتریک ممکن است بسته به رویه‌های طراحی، ایده‌های طراحی و ابزار یا نرم‌افزار مورد استفاده متفاوت باشد (Yoo, Cho, Eum, & Kam, 2020, p. 4). از طرفی علاوه بر اهمیت روش و نوع ابزار در فرایند طراحی، معماری با درک پیام بستر خود شکل می‌گیرد و پیامی را به عینیت می‌رساند که بستر معماری به آن داده است. هیچ بنای معماری در انزوا و به صورت ایزوله شده وجود ندارد. همواره زمینه‌ای هست که بنا در آن واقع شده و با آن ارتباط برقرار می‌کند (Bahrieh, Toofan, & Akbari, 2021, p. 8). از این رو شناخت کلیه عوامل محیطی، جغرافیایی و انسانی برای پی‌ریزی بنیان‌های تأثیرگذار بر کالبد ضروری است (White, 2012, p. 9). علاقه به ارزش‌های محلی و دلبستگی‌های مکانی واقعیتی است که هنوز بر اهمیت حفظ تفاوت‌ها و ویژگی‌های واحد هر فرهنگ تأکید می‌کند. چنین واقعیتی در زبان معماری به معماری زمینه‌گرا می‌تواند ترجمه شود (Imani, 2015, p. 42). در رویکرد زمینه‌گرایی آنچه اهمیت دارد خلق فرم‌های معماری بر مبنای بستر و زمینه طراحی بوده که در آن ابعاد مختلف کالبدی و معنایی زمینه در فرایند شکل‌گیری فرم ایفای نقش می‌کنند.

معماری پارامتریک مبتنی بر فرایندها، روش‌ها و ابزارهای جدیدی در عرصه‌ی روند ایده‌پردازی و طراحی و تولید فرم است که باعث شده معماران و طراحان شهری امکان طراحی خلاقانه در تولید فرم‌های جدید چه از منظر محتوا و چه بعد کالبدی را کسب کنند؛ اما با وجود نتایج ارزشمند و پتانسیل‌های معماری پارامتریک، در برخی نمونه‌ها شکل‌گیری طرح‌های ناهماهنگ و یا با ارتباط ضعیف با بستر و زمینه طراحی مشاهده می‌شود که منجر به کم‌رنگ شدن اهمیت و نقش زمینه‌های فرهنگی در طراحی فرم و عدم تمایز معماری مناطق مختلف و یکسان شدن شهرها و معماری آن‌ها شده است. این موضوع باعث شده تا زمینه‌های فرهنگی که می‌توانند به عنوان نیروی محرکه و عامل تعیین‌کننده مهمی در تعریف فرم‌های هماهنگ با نیازهای انسانی و شکل‌گیری معماری انسان‌گرا باشند، نادیده گرفته شده و مورد غفلت قرار گیرند.

با در نظر گرفتن نکات بیان شده، معماری پارامتریک اگرچه به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای طراحی معماران در دوران معاصر زمینه ساز شیوه‌های نوین تولید ایده و فرم در طراحی بوده است؛ اما به دلیل ضعف‌هایی که در مورد وجود هم‌خوانی یا سازگاری طرح‌های با رویکرد پارامتریک با مؤلفه‌های فرهنگی بستر و زمینه طراحی وجود دارد، بازخوانی ارتباط آن با زمینه‌گرایی فرهنگی دارای اهمیت هست. در این راستا، تبیین مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی برای شناسایی ابعاد، معیارها و مؤلفه‌ها ضرورت می‌یابد تا بتوان از طریق سطح‌بندی ابعاد و شناسایی روابط بین آن‌ها، ابعاد تأثیرپذیر و تأثیرگذار را مشخص نمود. هم‌چنین با سطح‌بندی ابعاد، امکان تعیین میزان اهمیت ابعاد و نحوه‌ی تأثیرگذاری آن‌ها بر هم و شناسایی ابعاد دارای بیشترین اهمیت محقق می‌شود تا بتوان بر مبنای آن، دستورالعمل‌ها و راهکارهای مؤثر و قابل اجرا در جهت رسیدن به معماری پارامتریک مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی تعریف نمود. بر این اساس تحقیق حاضر با هدف شناسایی و سطح‌بندی ابعاد مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی انجام گرفته و در پی پاسخ به این پرسش است که کدام ابعاد مدل معماری پارامتریک با رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی را می‌توان به عنوان ابعاد تأثیرگذار و کدام ابعاد را می‌توان به عنوان ابعاد تأثیرپذیر قلمداد کرد؟

۱-۲. رابطه معماری پارامتریک و زمینه‌گرایی فرهنگی

طراحی پارامتریک به عنوان یک رویکرد مبتنی بر کاربرد فناوری دیجیتال در معماری، مبتنی بر ریاضیات و کاربرد الگوریتم‌ها است. در این رویکرد یک طرح به صورت نمادین بر اساس استفاده از پارامترها توصیف می‌شود. این پارامترها می‌توانند به روشی پیچیده برای تولید طرح‌های پیچیده استفاده شوند (Caetano, Santos, & Leitao, 2020, p. 293). روند چنین رویکردی در فرآیند طراحی معماری، عبارت است از کنار هم قرار دادن مؤلفه‌های معماری و مرتبط کردن آن‌ها به یکدیگر؛ به گونه‌ای که یک مدل یکپارچه تشکیل داده و تغییر در هر جزء روی سایر اجزا اثرگذار باشد (Ronagh & Zandieh, 2021, p. 260). معماری پارامتریک با تکیه بر سیستم‌های اطلاعاتی در فعالیت‌های مختلف، طرح‌هایی را تولید می‌کند که ممکن است جنبه‌های مختلف آن اعم از شکل، عملکرد یا ساخت تغییر کند (Tantawy, 2022, p. 2). مزیت طراحی پارامتریک نسبت به روش‌های طراحی سنتی، توانایی تولید سریع گزینه‌های طراحی است (Arab Anvari & Fayaz, 2019, p. 9).

از نظر تاریخی در آغاز، زمینه‌گرایی در فلسفه زبان مطرح شده و کانون توجه آن نیز تئوری واژگان جمله‌ها بوده است. این تئوری تأکید دارد که معنای برخی از واژگان بستگی به زمینه‌ای دارد که در آن مطرح شده‌اند (Ghalehnoee, 2023). توماس شوماخر از زمینه‌گرایی به عنوان حائل و حد و سط که مرتبط با بستر و محیط است یاد می‌کند و معتقد است که رسالت زمینه‌گرایی، ایجاد ارتباط بین دو مفهوم متضاد است (Schumacher, 1971). توجه به زمینه فرهنگی در طراحی از ابعاد مورد تأکید در رویکرد زمینه‌گرایی به شمار می‌رود. رابرت ونچوری ساختن برای مردم، طرفداری از زیبایی‌شناسی و شکل شهر عامه‌گرا و بومی را مهم می‌دانست. آموس راپاپورت اساس شکل‌گیری محیط‌های زیستی را در فرهنگ مردم جستجو کرده و تفاوت محیط کالبدی را ناشی از تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند (Rapoport, 2013). شولتز معتقد است اساس نظریه مکان بر درک خصوصیات انسانی و فرهنگی است. وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد، مکان نامیده می‌شود (Noghsanmohammadi & Abbasi, 2020, p. 128). می‌توان بیان نمود که در زمینه‌گرایی فرهنگی دیدگاهی کلیت‌گرا در راستای ایجاد انسجام مفهومی در محیط کالبدی وجود داشته و در تلاش است که ارزش‌ها، معانی و اهداف مشترک را در طراحی و افزودن اجزاء جدید به کالبد شهر مورد توجه قرار دهد.

مفاهیم و تعاریف ارائه شده در حیطه‌ی معماری پارامتریک و زمینه‌گرایی فرهنگی نشان می‌دهد که نوعی مفاهیم پیونددهنده در ارتباط میان این دو موضوع وجود دارد. به عبارتی رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی در بطن اهداف و مشخصه‌های خود دارای ویژگی‌های مرتبط با معماری پارامتریک است. آنچه در زمینه‌گرایی فرهنگی دارای اهمیت است، تأکید بر وجود دیدگاهی کلیت‌گرا و ارتباط و همبستگی عناصر از دید مفهومی هست که این موضوع با رویکرد اتصال و ارتباط عناصر و اجزا که اصل مهم در معماری پارامتریک محسوب می‌شود قرابت دارد (Kollar, 1985; Ghalehnoee, 2023; Barati, 2004; Capra, 1996; Boehm, 2002; Nematimehr, 2005; Tantawy, 2022; Hernandez Falagan & Ziaiebigdeli, 2022; Caetano et al., 2020; ElBatran & Ismaeel, 2021; Eltaweel & Yuehong, 2017; Woodbury, 2010). توجه به ویژگی‌های زمینه طراحی از دید مؤلفه‌های فرهنگی و در نظر گرفتن آن‌ها در فرایند طراحی که اصل مهمی در زمینه‌گرایی فرهنگی محسوب می‌شود با توجه به رویکرد پارامتر محور در طراحی پارامتریک و امکان وارد کردن و تأثیرگذاری عوامل مربوط به زمینه طراحی در قالب پارامترها مورد توجه قرار می‌گیرد (Azizi, Delpazir, & Moghaddam, 2012; Yazdanfar, Hosseini, & Zaroudi, 2014; Ashoori, 2009; Rapoport, 2013). توجه به مؤلفه‌های معنایی و مفهومی برای ایجاد ارتباط ذهنی انسان و فضا و بوجود آمدن حس مکان به عنوان یکی از ابعاد مهم مورد تأکید در زمینه‌گرایی فرهنگی است. در معماری پارامتریک نیز الهام از نمادها، معانی و مفاهیم فرهنگی، با توجه به پتانسیل بالای معماری پارامتریک در ایجاد فرم‌های با هندسه متنوع و امکان ایده‌پردازی‌های وسیع و تولید الگوهای ملهم از موارد ذکر شده تحقق می‌یابد (Rapoport, 2013; Schultz, 1977). از مصادیق معماری (Tarashi & Gharaei, 2015; Mostaghni & Alimoradi, 2016; Caetano et al., 2020; Lynch, 1997).



شکل ۱: راست: مرکز تحقیقات و مطالعات نفتی ملک عبدالله (معمار: زاها حدید؛ موقعیت: ریاض، عربستان سعودی). وسط: موزه لوور ابوظبی (معمار: ژان نول؛ موقعیت: ابوظبی، امارات متحده عربی). چپ: برج البحر (معمار: شرکت معماری آداس؛ موقعیت: ابوظبی، امارات متحده عربی) (www.archdaily.com)

پارامتریک که در آن‌ها انعکاس برخی مؤلفه‌های فرهنگی زمینه در طراحی مشاهده می‌شود، می‌توان به موزه لوور ابوظبی، مرکز تحقیقات و مطالعات نفت ملک عبدالله و برج البحر اشاره نمود که در (شکل ۱) ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر به شناسایی و سطح‌بندی ابعاد مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی می‌پردازد. لذا تحقیقات پیشین در دو بخش اصلی شامل پیشینه تحقیقات موجود در حیطه معماری پارامتریک و نیز تحقیقات مرتبط با موضوع زمینه‌گرایی مورد بررسی قرار گرفت. در حوزه مبحث معماری پارامتریک، جاکوبز و همکاران (Jacobus, Carpenter, Loerts, Nunzio, & Bedeschi, 2023) در کتابی با عنوان «معماری و تفکر پارامتریک: مدل‌سازی محاسباتی برای شروع طراحی» در مورد آشنایی با مدل‌سازی پارامتریک از طریق دریچه معماری و هماهنگ کردن ایده‌های اساسی در معماری با تفکر پارامتریک بحث می‌کنند. این کتاب به شناخت پتانسیل گسترده نرم‌افزارهای پارامتریک کمک می‌کند و دامنه کامل آنچه را که با فرایندهای محاسباتی امکان‌پذیر شده و در نتیجه رویکردی تعاملی برای آموزش مبانی تفکر پارامتریک در رابطه با معماری و طراحی ارائه می‌دهد. لی و همکاران (Lee, Shin, & Issa, 2023) در مقاله‌ای با عنوان «منطقی‌سازی معماری فرم آزاد با استفاده از طراحی‌های مولد و پارامتریک»، جریان‌های برنامه پارامتریک و مولد را برای ایجاد تعادل بین اهداف و الزامات طراحی و هزینه‌های ساخت‌وساز در معماری فرم آزاد پیشنهاد می‌کنند. در این تحقیق طراحان می‌توانند بهترین گزینه طراحی در تناسب با اهداف خود را از طریق جریان برنامه انتخاب کرده و با استفاده از نتایج این مطالعه تصمیمات کارآمدتری را در فرآیند طراحی اولیه برای معماری فرم آزاد اتخاذ نمایند. تنتاوی (Tantawy, 2022) در مقاله خود با عنوان «فرمول‌بندی یک چارچوب پیشنهادی برای مشخصات رسمی و ساختاری معماری دیجیتال پارامتریک مدرن» با هدف افزایش دانش در زمینه معماری دیجیتال پارامتریک مدرن به ارائه تعاریفی در این حوزه می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که مهم‌ترین ویژگی ساختمان‌ها در معماری دیجیتال پارامتریک، فقدان واقع‌گرایی به میزان بسیار قابل توجهی است و همواره شاهد افزایش آشکاری در تعامل، سرزندگی و پویایی ساختمان‌ها با محیط اطراف هستیم. مدبریان و پاکدل‌فرد (Modaberian & Pakdel Fard, 2022) در مقاله خود با عنوان «پارادایم معماری پارامتریک در آثار معماری اسلامی ایران» با روش تحلیلی و توصیفی و پدیدارشناسانه به بررسی نمونه‌ها و کاربرد هندسه در آثار معماری اسلامی با کاربرد معماری پارامتریک می‌پردازند. یافته‌ها بیانگر آن است که هندسه اسلامی منبع عظیمی است از مصالح، الگوها و تکنیک‌های تکامل یافته‌ای که به بهترین شکل با محیط خود در ارتباط است.

در حیطه موضوع زمینه‌گرایی، مولائی (Molaei, 2023) در مقاله خود با عنوان «بازشناسی ظرفیت‌های رقابت‌پذیری زمینه‌گرایی شهری در توسعه شهرها و مناطق» با هدف تبیین جایگاه زمینه‌های هویتی در رقابت‌پذیری شهری و چگونگی ایجاد مزیت‌های رقابتی زمینه‌گرا، از روش پژوهش تحلیلی و اسنادی با راهبردی زمینه‌مدار بهره گرفته است. بر اساس نتایج، مهم‌ترین راهبردهای

پیشنهادی شامل احترام به زمینه‌ها در توسعه شهری و منطقه‌ای، خلق مزیت‌های رقابتی معطوف به زمینه‌ها و برندسازی آن‌ها، توسعه زیرساخت‌های گردشگری مذهبی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، طبیعی و زیست محیطی است. رشیدی و همکاران (Rashidi, Toofan, & Nejadabrahimi, 2023) در مقاله خود با عنوان «نقش مدیریت زمینه‌گرا در شکل‌گیری منظر تاریخی تخت سلیمان» بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی به شناخت انواع زمینه‌گرایی در فضاهای معماری و شهری گذشته و بررسی معیارهایی در معماری زمینه‌گرای طبیعی و به‌کارگیری این معیارها در طراحی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد ارزش‌های تاریخی و رابطه آن‌ها با شیوه‌های مدیریت در مواجهه با چگونگی مرمت و میراث معماری و به خصوص در دوره‌های تاریخی، عناصر کالبدی، فضایی و مصالح باید با توجه به زمینه‌گرایی در نظر گرفته شود. ال-حمدی و گرچو (Al-Hammadi & Grchev, 2023) در مقاله خود با عنوان «جنبه‌های معماری زمینه‌گرا با توجه به معماری سنتی-معاصر، هویت کالبدی-فرهنگی و مکان: مرور نظام‌مند ادبیات» با مرور متون و مطالعات کتابخانه‌ای به تعریف زمینه‌گرایی از نظر جنبه‌های فیزیکی-فرهنگی، معماری سنتی در مقابل معماری معاصر و هویت مکان می‌پردازند. خصم‌افکن نظام و همکاران (Khasm_Afkan Nezam, Navidi_Majd, & Fadavi, 2020) در مقاله خود با عنوان «بازشناسی الگوها و رویه‌های معماری زمینه‌گرا در اندیشه و شهرهای اسلامی در عصر جهانی‌سازی» با استفاده از روش فراتحلیل و روش توصیفی-تحلیلی به این یافته‌ها دست پیدا کرده‌اند که تمامی روش‌ها و شیوه‌های معمارانه درک «زمینه» در شهر اسلامی در یک سو و در سوی دیگر فهم بیش‌شکل‌دهنده به این نوع معماری و شهرسازی، حائز اهمیت است. برولین (Brolin, 1980) در کتاب خود با عنوان «معماری زمینه‌گرا» به مقوله سبک‌های معماری و چگونگی ایجاد هماهنگی میان ساختمان‌های مجاور مربوط به سبک‌های مختلف می‌پردازد. شالوده اصلی کار برولین بیشتر بر تحلیل نمونه‌های موجود بوده و همچنین مشکلات بصری برای همگون کردن ساختمان‌های جدید با قدیم را مورد بررسی قرار داده است. در نهایت مباحث کتاب گواه آن است که همه‌ی ساختمان‌ها لزوماً نباید با ساختمان‌های اطراف سازگاری و همگونی داشته باشند، بلکه مواردی نیز وجود دارد که به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و یا نمادین از تضادی مناسب و مطلوب برخوردار است. بررسی پیشینه تحقیقات مرتبط با حوزه زمینه‌گرایی حاکی از آن است که اغلب پژوهش‌ها به بحث در مورد مفهوم زمینه‌گرایی و معرفی ابعاد آن با بیانی کلی پرداخته‌اند و در موضوع معماری پارامتریک نیز در پژوهش‌های بررسی شده، این موضوع از دیدگاه فرایند طراحی، ابزارها و جنبه‌های عملکردی آن مورد بحث بوده است. پژوهش حاضر بر آن است تا معماری پارامتریک را در ارتباط با موضوع زمینه‌گرایی فرهنگی مورد مطالعه قرار دهد و این موضوع، جنبه تفاوت این پژوهش در مقایسه با تحقیقات پیشین است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر دارای رویکرد بنیادی-توسعه‌ای بوده که در گام اول از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی ادبیات مرتبط با حوزه‌های اصلی پژوهش به شناسایی معیارها، مؤلفه‌ها و ابعاد جهت ساخت مدل پرداخته شد. در گام دوم با هدف سطح‌بندی، شناسایی روابط و ارزیابی میزان تعیین‌کنندگی هر کدام از ابعاد از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری و تحلیل MICMAC بهره گرفته شد.

در مطالعات کتابخانه‌ای، در قالب فرایندی گام‌به‌گام ابتدا مفاهیم اصلی پژوهش با محوریت دو حوزه‌ی اصلی معماری پارامتریک و زمینه‌گرایی فرهنگی مشخص شده و سپس منابع مرتبط شناسایی و نکات مهم استخراج گردید. در گام بعدی در راستای نظم‌دهی و بهره‌برداری مؤثر، اطلاعات مورد نظر طبقه‌بندی شده و در نهایت، مدل معماری پارامتریک با رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی تبیین گردید. در مرحله دوم، با توجه به این که هدف اصلی تحقیق حاضر سطح‌بندی ابعاد، شناسایی و ترسیم روابط ساختاری بین آن‌ها و ارزیابی میزان تعیین‌کنندگی هر کدام از ابعاد است، از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) استفاده می‌شود؛ بنابراین در ابتدا سطوح اثرگذاری و اثرپذیری ابعاد تحقیق مشخص و سپس روابط ساختاری و تعاملی ابعاد در قالب یک

دیاگرام تصویری نشان داده می‌شوند. در نهایت سعی شده است توسط تحلیل MICMAC میزان تعیین‌کنندگی آن‌ها در چهار قالب ابعاد مستقل (Independent Barriers)، وابسته (Dependent Barriers)، پیوندی (Linkage Barriers) و خودمختار (Autonomous Barriers) نشان داده شود.

رویکرد ISM مبتنی بر ارزیابی و قضاوت خبرگان است. شیوه انتخاب نمونه‌ها به صورت نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند بوده و با جستجو در نوشته‌ها، مقالات و پژوهش‌های علمی سعی شد افراد صاحب فکر در زمینه موضوع تحقیق انتخاب شوند. هرچند که نظر قطعی در مورد تعداد مناسب خبره برای مشارکت در رویکرد ISM وجود ندارد، اما برخی از مؤلفین به ۸-۱۲ نفر (Cavalli-1984) و برخی دیگر به ۱۰-۱۸ نفر (Sforza & Ortolano, 1984) و برخی دیگر به ۱۰-۱۸ نفر (Okoli & Pawlowski, 2004) اشاره کرده‌اند. همچنین در مطالعات مختلف، ارقامی از قبیل ۱۰ نفر (Samadi-Miarkolaei, Samadi-Miarkolaei, & Bastami, 2019) و ۲۰ نفر (Yazdani, Jalali, & Moazeni, 2018) مشاهده شده است؛ اما در تحقیق حاضر به تبعیت از نظر حبیبی و همکاران (Habibi, Izadyar, & Sarafrazi, 2014) که تعداد ۱۰ تا ۲۵ نفر را برای انجام مطالعه ISM مناسب دانسته‌اند، برای اطمینان بیشتر، حداکثر این رقم یعنی ۲۵ نفر مدنظر بوده است. مشخصات مربوط به خبرگان در (جدول ۱) نشان داده شده است.

اطلاعات مربوط به رویکرد ISM از طریق پرسشنامه و به صورت مقایسه زوجی متغیرها گردآوری شد. در پرسشنامه طراحی شده از خبرگان خواسته شد متغیرها را دو به دو مقایسه کرده و در صورت اثرگذاری متغیر اول بر متغیر دوم آن را با علامت (<)، در صورت اثرگذاری متغیر دوم بر متغیر اول با علامت (>)، در صورت تأثیرگذاری متقابل دو متغیر با علامت (=) و در صورت عدم تأثیرگذاری متغیرها بر دیگری با علامت (O) مشخص کنند. بر اساس نتایج حاصل از ارزیابی خبرگان در مرحله بعدی ماتریس خود تعاملی ساختاری (SSIM) تنظیم گردید و بر اساس این ماتریس، ماتریس‌های دستیابی اولیه (Initial Reachability Matrix) و دستیابی نهایی (Final Reachability Matrix) تدوین گردید. برای تدوین ماتریس دستیابی اولیه ارقام ۱ و ۰ جایگزین علائم موجود در ماتریس خودتعاملی ساختاری گردید. در این ماتریس در صورتی که متغیر اول بر متغیر دوم تأثیرگذار باشد (علامت <) یا در صورت عدم تأثیرگذاری هیچ کدام از دو متغیر (علامت O) رقم صفر قرار داده می‌شود و در صورتی که متغیر دوم بر متغیر اول تأثیرگذار باشد (علامت >) یا در صورت تأثیر متقابل دو متغیر بر یکدیگر (علامت =) رقم ۱ در ماتریس قرار داده می‌شود. ماتریس دستیابی نهایی نیز بعد از شناسایی تأثیرات ثانویه و حذف آن‌ها تنظیم گردید. در مرحله پایانی رویکرد ISM تحلیل MICMAC انجام گرفت که به طبقه‌بندی متغیرها در چهار مقوله متغیرهای وابسته، مستقل، پیونددهنده و خودمختار کمک می‌کند. مدل سازی ساختاری تفسیری به همراه تحلیل MICMAC ابزار محکمی را برای تصویر سازی ساختار متغیرها و روابط متقابل آن‌ها فراهم می‌سازد.

جدول ۱: مشخصات خبرگان

متغیر	مقولات	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۱	۴۴
	مرد	۱۴	۵۶
گروه سنی	۳۰-۴۰	۶	۲۷
	۴۰-۵۰	۱۱	۴۳
	۵۰-۶۵	۸	۳۰
حوزه حرفه‌ای	آکادمیک	۱۵	۵۸
	فنی-تجربی	۱۰	۴۲
حوزه تخصصی	معماری	۱۱	۴۶
	طراحی شهری	۹	۳۴
	شهرسازی	۵	۲۰

بر اساس مرور ادبیات مرتبط با حیطه‌های زمینه‌گرایی فرهنگی و معماری پارامتریک، جهت تبیین ارتباط این دو حوزه، در گام اول مشخصه‌های زمینه‌گرایی فرهنگی و سپس معماری پارامتریک مورد بررسی قرار گرفت. در گام بعدی، این مشخصه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی تبیین شد. این مدل در قالب شناسایی ابعاد، معیارها و مؤلفه‌ها در (جدول ۲) ارائه شده است.

جدول ۲: تبیین مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی

منابع پشتوانه سازه تحقیق	معیار	مؤلفه	بعد
(Lee, Shin, & Issa, 2023 :Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022 : ElBatan & Ismaeel, 2021 :Caetano et al., 2020 :Jabi, Soe, Theobald, Aish, & Lannon, 2017 :Oxman, 2017 : Janssen & Stouffs, 2015 :Chien & Yeh, 2012 :Woodbury, 2010 : Terzidis, 2003 :Ziaee, Moztaazadeh, & Movahed, 2020 :Zandieh & Ronagh, 2020 :Arab Anvari & Fayaz, 2019 :Mostaghni & Alimoradi, 2016 :Azizi, Delpazir, & Moghaddam, 2012 :Moini, 2008)	<p>- نمایش مفاهیم فرهنگی در قالب فرم‌های منظم هندسی و یا فرم‌های با هندسه آزاد و پیچیده با بهره‌گیری از روش‌های محاسباتی</p> <p>- طراحی قاعده‌مند مبتنی بر زبان الگوریتم و ریاضیات برای وارد کردن مفاهیم فرهنگی به صورت پارامتر در فرایند طراحی</p>	<p>تولید فرم متناسب با زمینه فرهنگی بر مبنای قواعد ریاضی</p>	۱. طراحی قاعده‌مند در ارتباط با زمینه فرهنگی
	<p>- طراحی سیستم روابط و سامانه نظام‌مند برای تعریف ارتباط بین پارامترهای زمینه فرهنگی و فرم</p> <p>- پرداختن به مسئله طراحی با در نظر گرفتن پارامترهای زمینه فرهنگی توسط تعریف دستورات گام به گام و مرحله‌ای</p>	<p>سیستم روابط نظام‌مند مبتنی بر زمینه فرهنگی در فرایند شکل‌گیری فرم</p>	
(Tantawy, 2022 :Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022 :ElBatan & Ismaeel, 2021 :Jabi et al., 2017 : Eltaweel & Yuehong, 2017 :Janssen & Stouffs, 2015 :Kensek & Noble, 2014 :Jabi, 2013 :Chien & Yeh, 2012 : Hedson, 2010 :Woodbury, 2010 : Eastman, Eastman, Teicholz, Sacks, & Liston, 2008 :Barrios, 2005 : Yazdanfar, Hosseini, & Zaroudi, 2014 :Ashoori, 2009 :Rapoport, 2013)	<p>- طراحی یک مدل پارامتری قابل انعطاف و نظام هندسی پویا دارای قابلیت تغییر در تناسب با پارامترهای زمینه فرهنگی</p> <p>- طراحی روش تولید پاسخ به جای تولید مستقیم فرم با توجه به پارامترهای زمینه فرهنگی</p> <p>- امکان ویرایش و اعمال تغییرات در هر مرحله از فرایند طراحی متناسب با پارامترهای زمینه فرهنگی از طریق تغییر در روابط الگوریتمی یا بازبینی آن‌ها</p>	<p>انعطاف‌پذیری فرم در ارتباط با زمینه فرهنگی</p>	۲. تعامل فرم با زمینه فرهنگی
	<p>- شکل‌گیری فرم در فرایند طراحی به صورت مرحله به مرحله و کنترل تمام مراحل در انطباق با پارامترهای تعریف شده مرتبط با زمینه فرهنگی</p> <p>- سازگاری با زمینه فرهنگی با بهره‌گیری از تغییرات تدریجی اجزاء فرم در فضای طراحی بر اساس پارامترهای برگرفته از زمینه فرهنگی</p>	<p>سازگاری فرم با زمینه فرهنگی</p>	
	<p>- پاسخ به نیازهای ذهنی انسان برای ایجاد رابطه با فضا از طریق نمایش مضامین و مفاهیم فرهنگی در فرم</p> <p>- پاسخ به پارامترهای متعدد برگرفته از مؤلفه‌های فرهنگی زمینه در مسیری الگوریتمیک در فرم کلان و یا در اجزاء ریز</p>	<p>پاسخگویی به زمینه فرهنگی</p>	
(Lee et al., 2023 :Tantawy, 2022 : Ganjisafar, 2023 :Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022 :ElBatan & Ismaeel, 2021 :Eltaweel & Yuehong, 2017 :Janssen & Stouffs, 2015 :	<p>- تولید گزینه‌های مختلف طراحی بر اساس ایده‌ی اولیه برگرفته از مضامین فرهنگی زمینه از طریق تغییر برخی پارامترها</p>	<p>تولید گزینه‌های متنوع طراحی دارای هماهنگی با زمینه فرهنگی</p>	۳. بهینه‌سازی پاسخ‌های طراحی در تناسب با زمینه فرهنگی

<p>Grobman & Neuman, 2012؛ Queiroz & Vaz, 2015؛ Elghandour, Saleh, Aboeineen, & Elmokadem, 2014؛ Woodbury, 2010؛ Terzidis, 2003؛ Rasuli, Shahbazi, & Matini, 2019؛ Eghbali & Karimi, 2017؛ Khabazi, 2016)</p>	<p>- ایجاد طیفی از طرح‌ها و فرم‌های مشابه با داشتن تفاوت‌های جزئی در هماهنگی با مؤلفه‌های فرهنگی زمینه به کمک ایجاد تغییر در برخی پارامترها</p>		
<p>(Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022؛ Caetano et al., 2020؛ Eltaweel & Yuehong, 2017؛ Oxman, 2017؛ Gerber & Pantazis, 2016؛ Queiroz & Vaz, 2015؛ Yu & Gero, 2015؛ Janssen & Stouffes, 2015؛ Zarei, 2012؛ Chien & Yeh, 2012؛ Hedson, 2010؛ Woodbury, 2010؛ Yazdanfar, Hosseini, & Zaroudi, 2014؛ Ashoori, 2009؛ Rapoport, 2013)</p>	<p>- تنوع نظام تکرار و تکثیر در الگوها بر مبنای مفاهیم برگرفته از زمینه فرهنگی - ایجاد پیچیدگی در ساختار الگوها از طریق طراحی واحدهای غیر یکسان از نظر اندازه و شکل هم‌زمان با داشتن شباهت به هم</p>	<p>گزینه‌های مختلف طراحی در مورد کیفیت انطباق با مؤلفه‌های فرهنگی زمینه - چرخه تکرار شونده و دریافت بازخوردها در فرایند طراحی و اصلاح گزینه‌ها برای دستیابی به گزینه‌های مطلوب در هماهنگی با زمینه فرهنگی</p>	<p>۴. نمایش مضامین فرهنگی در قالب الگوسازی</p>
<p>(Tantawy, 2022؛ Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022؛ ElBatran & Ismaeel, 2021؛ Caetano et al., 2020؛ Eltaweel & Yuehong, 2017؛ Jabi et al., 2017؛ Gerber & Pantazis, 2016؛ Yu & Gero, 2015؛ Jabi, 2013؛ Woodbury, 2010؛ Kollar, 1985؛ Nematimehr, 2005؛ Barati, 2004؛ Boehm, 2002؛ Homaei, 2000؛ Golkar, 1999؛ Capra, 1996)</p>	<p>- تأثیرپذیری فرم کلی از تغییر یا ورود هر پارامتر مرتبط به زمینه فرهنگی در فرایند طراحی - فرم یابی هر یک از اجزاء طرح تحت قوانین کلی تعریف شده توسط مؤلفه‌های زمینه در قالب زبان الگوریتم - بوجود آمدن تغییر در هر یک از اجزاء طرح در اثر ایجاد تغییر در قوانین ساختار کلی</p>	<p>ارتباط بین جزء و کل در طرح</p>	<p>۵. کلیت‌گرایی</p>
<p>(Lee et al., 2023؛ Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022؛ Wang & Chen, 2022؛ Eltaweel & Yuehong, 2017؛ Oxman, 2017؛ Janssen & Stouffes, 2015؛ Yu & Gero, 2015؛ Queiroz & Vaz, 2015؛ Jabi, 2013؛ Zarei, 2012؛</p>	<p>- آزادی هندسه و فرم در نمایش خلاقانه مفاهیم فرهنگی به کمک راهبردهای محاسباتی در فرایند طراحی - رفع محدودیت‌های ایده‌پردازی و طراحی فرم‌های با هندسه پیچیده و متنوع در ارتباط با پارامترهای زمینه فرهنگی</p>	<p>انسجام فرم و زمینه</p>	<p>۶. تنوع مقیاس و فرم در ارتباط با زمینه فرهنگی</p>
	<p>- بهره‌گیری از اجزای تکرار شونده به عنوان جریان‌ی پیوسته در بخش‌های مختلف طرح برای ایجاد یکپارچگی در کلیت فرم - اتصال و ارتباط اجزاء با هم برای ایجاد کلیت فرمی و معنایی یکپارچه در جهت ارتباطات ذهنی انسان و فضا</p>	<p>وحدت بین اجزای فرم جهت پیام‌رسانی صریح</p>	

<p>Woodbury, 2010 :Barrios, 2005 : Dunn, 2019 :Eghbali & Karimi, 2017 : Yazdanfar, Hosseini, & Zaroudi, 2014 :Khabazi, 2016 :Ashoori, 2009 : Rapoport, 2013 :Barati, 2004)</p>	<p>- دستیابی به نتایج غیر قابل پیش‌بینی فرمی در هماهنگی با زمینه فرهنگی به کمک راهبردهای الگوریتمی در طراحی</p>		
	<p>- طراحی هم‌زمان جزئیات (مقیاس خرد) و کلیت فرم (مقیاس بزرگ) ملهم از مفاهیم و مضامین فرهنگی - وجود آوردن تأکید بیشتر بر نمایش مفاهیم فرهنگی جهت تأثیرگذاری ذهنی قوی‌تر به کمک ایجاد فرم‌های با جزئیات زیاد در مقیاس‌های مختلف - استفاده از اجزای ریز و خرد کردن فرم کلی به بخش‌های کوچک‌تر در راستای توجه به مقیاس انسانی</p>	<p>جزئیات و اجزای متکثر در مقیاس‌های مختلف مرتبط با زمینه فرهنگی</p>	
<p>(Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022 :Hasanpour Loumer, Nejad Ebrahimi, Sattarisarbangholi, & Vandshoari, 2023 :Caetano et al., 2020 :Oxman, 2017 :Gerber & Pantazis, 2016 :Queiroz & Vaz, 2015 : Yu & Gero, 2015 :Chien & Yeh, 2012 : Woodbury, 2010 :Barrios, 2005 : Mostaghni & Alimoradi, 2016 : Tarashi & Gharaei, 2015 :Ashoori, 2009 :Rapoport, 2013)</p>	<p>- کاربرد مصالح بومی - محلی در اشکال، ابعاد و هندسه جدید در سطوح و اجزای مختلف طرح - آزادی عمل در کاربرد خلاقانه مصالح بومی - محلی در احجام و فرم‌های با هندسه آزاد و پیچیده</p>	<p>استفاده از مواد و مصالح بومی - محلی با شیوه‌های جدید</p>	<p>۷. اقتباس از معماری بومی - محلی با شیوه‌های جدید</p>
<p>(Wang & Chen, 2022 :Hernández Falagán & Ziaiebigdeli, 2022 : Hasanpour Loumer et al., 2023 :Jabi et al., 2017 :Oxman, 2017 :Yu & Gero, 2015 :Jabi, 2013 :Chien & Yeh, 2012 :Woodbury, 2010 :Meredith & Sasaki, 2008 :Barrios, 2005 :Ronagh & Zandieh, 2021 :Rasuli, Shahbazi, & Matini, 2019 :Eghbali & Karimi, 2017 :Yazdanfar, 2016 :Khabazi, 2016 :Hosseini, & Zaroudi, 2014 :Ashoori, 2009 :Zelner, 2007 :Rapoport, 2013)</p>	<p>- نمایش نمادها، مفاهیم و مضامین فرهنگی به صورت تلویحی و انتزاعی در فرم‌ها و آرایه‌های معماری - برداشت از مضامین شکلی و هندسی برگرفته از نقوش و هنرهای بومی - محلی جهت تداعی به صورت انتزاعی و غیرمستقیم در فرم</p>	<p>تداعی مؤلفه‌های زمینه فرهنگی به صورت انتزاعی در فرم</p>	<p>۸. رابطه بین فرم و زمینه فرهنگی با شیوه‌های غیرمستقیم</p>
<p>(Ganjisafar, 2023 :Oxman, 2017 : Gerber & Pantazis, 2016 :Queiroz & Vaz, 2015 :Elghandour et al., 2014 : Woodbury, 2010 :Barrios, 2005 : Arab Anvari & Fayaz, 2019 :Rasuli et al., 2019 :Eghbali & Karimi, 2017 : Mostaghni & Alimoradi, 2016 : Tarashi & Gharaei, 2015)</p>	<p>- بهره‌گیری از مضامین فرهنگی و نقوش هنر و معماری بومی - محلی در طراحی اجزای پوسته خارجی ساختمان با هدف بهبود کارایی و کنترل شرایط آسایش درونی بنا - استفاده عملکردی و زیبایی‌شناسی از طرح‌های مبتنی بر اجزای تکرار شونده الهام گرفته از مضامین فرهنگی در فضاهای نیازمند به واحدهای یکسان و خصلت تکرار شونده عناصر</p>	<p>نقش هم‌زمان عملکردی و زیبایی‌شناسی عناصر معماری برگرفته از مفاهیم فرهنگی</p>	<p>۹. کارکرد چندگانه بهره‌گیری از مفاهیم فرهنگی در فرم</p>
	<p>- ایجاد تأثیرات فضایی خاص به کمک نور توسط کاربرد آرایه‌ها یا سازه‌های منبعث از هنر و نقوش بومی - محلی در سطوح خارجی بنا - استفاده از عناصر هنر و معماری بومی - محلی و آشنا برای حافظه بصری مخاطبان برای ایجاد ارتباط عاطفی با فضا علاوه بر نقش زیبایی‌شناسی</p>	<p>استفاده از عناصر هنر و معماری بومی - محلی برای ایجاد کیفیت‌های فضایی خاص</p>	

همان‌گونه که در روش‌شناسی مربوط به گام دوم بیان شد، ترسیم ماتریس خودتعاملی ساختاری اولین گام بعد از گردآوری اطلاعات مربوط به رویکرد ISM محسوب می‌شود. در (جدول ۳) این ماتریس نشان داده شده است. در این ماتریس، (۱) به معنای تأثیر بعد اول بر بعد دوم، (۱-) به معنای تأثیر بعد دوم بر بعد اول، (۲) به معنای تأثیر متقابل دو بعد بر یکدیگر و (۰) به معنای عدم ارتباط این دو متغیر هستند. در این جدول، ابعادی که در سطرها نوشته شده‌اند، نشان‌دهنده بعد اول و ابعادی که در ستون‌ها نوشته شده‌اند، بیانگر بعد دوم هستند. برای مثال عدد (۱) که در جدول با رنگ خاکستری مشخص شده است، نشان‌دهنده تأثیر بعد اول بر بعد چهارم است. در حالی که عدد (۲) که آن هم با رنگ خاکستری نشان داده شده است، نشان‌دهنده تأثیر متقابل بعد دوم و ششم است. عدد (۱-) به معنای تأثیر بعد هفتم بر بعد پنجم است. چون مقدار هیچ کدام از خانه‌های جدول (۰) نیست، بنابراین می‌توان گفت هیچ دو بعدی نبوده است که ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند.

اولین گام برای ترسیم روابط متغیرها و سطح‌بندی آن‌ها تدوین ماتریس دستیابی اولیه است (جدول ۴). در این ماتریس همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، (۱) به معنای تأثیرگذاری بعد اول بر بعد دوم یا تأثیرگذاری این دو بعد بر یکدیگر است. در حالی که عدد (۰) به معنای تأثیر بعد دوم بر بعد اول یا عدم ارتباط دو بعد است. این ماتریس از آنجایی که تأثیرات ثانویه و غیر مستقیم ابعاد را نمی‌تواند نمایش دهد، بنابراین برای محاسبه سطح تعیین‌کنندگی ابعاد مناسب نیست و باید ماتریس دستیابی نهایی نیز ترسیم شود.

جدول ۳: ماتریس خودتعاملی ساختاری

بعد ۱-	بعد ۲-	بعد ۳-	بعد ۴-	بعد ۵-	بعد ۶-	بعد ۷-	بعد ۸-	بعد ۹-	
1	1	1	1	1	1	1	1	1	بعد ۱-
-1	2	2	1	2	2	1	1	1	بعد ۲-
-1	2	2	1	2	2	1	1	1	بعد ۳-
-1	-1	-1	2	1	2	2	1	1	بعد ۴-
-1	2	2	2	2	2	2	2	2	بعد ۵-
-1	2	2	2	1	2	2	2	2	بعد ۶-
-1	2	2	2	1	2	2	2	2	بعد ۷-
-1	2	2	2	1	2	2	2	2	بعد ۸-
-1	-1	-1	-1	1	-1	-1	-1	-1	بعد ۹-

جدول ۴: ماتریس دستیابی اولیه

بعد ۱-	بعد ۲-	بعد ۳-	بعد ۴-	بعد ۵-	بعد ۶-	بعد ۷-	بعد ۸-	بعد ۹-	
1	1	1	1	1	1	1	1	1	بعد ۱-
0	1	1	1	1	1	1	1	1	بعد ۲-
0	1	1	1	1	1	1	1	1	بعد ۳-
0	0	0	1	1	1	1	1	1	بعد ۴-
0	0	0	1	1	1	1	1	1	بعد ۵-
0	0	0	1	1	1	1	1	1	بعد ۶-
0	0	0	1	1	1	1	1	1	بعد ۷-
0	0	0	1	1	1	1	1	1	بعد ۸-
0	0	0	0	1	0	0	0	0	بعد ۹-

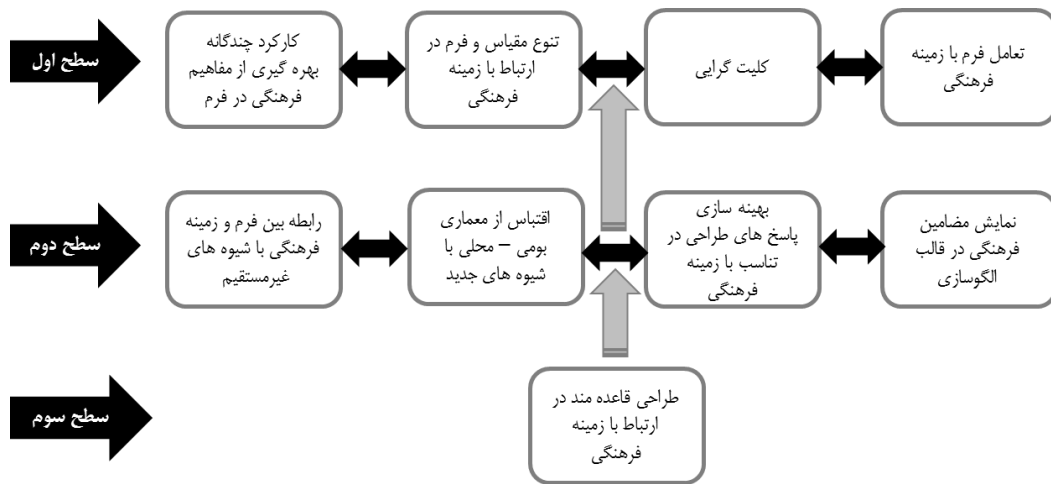
همان‌گونه که گفته شد ماتریس دستیابی اولیه به دلیل فقدان قابلیت در ارائه اثرات غیر مستقیم و ثانویه نقص دارد؛ اما ماتریس دستیابی نهایی می‌تواند این نقیصه را جبران کند. منظور از روابط ثانویه یا غیر مستقیم این است که ممکن است دو بعد به صورت مستقیم بر یکدیگر تأثیر نداشته باشند، اما ممکن است متغیر سوم و وجود داشته باشد که از طریق آن بتوان بین دو متغیر ارتباط برقرار کرد. برای مثال ممکن است متغیر A بر متغیر Z تأثیر مستقیمی نداشته باشد، اما متغیر دیگری مثل متغیر B ممکن است به دلیل اینکه هم با متغیر A هم با متغیر Z ارتباط مستقیم دارد، بتواند ارتباط متغیرهای A و Z را برقرار کند. این موضوع شاید با مقایسه ماتریس‌های دستیابی اولیه و نهایی بهتر قابل درک باشد. همان‌طور که در (جدول ۴) نشان داده شده است، مقدار (۰) که در ستون آخر و ردیف پنجم به رنگ خاکستری مشخص شده است به معنای این است که بین بعد پنجم و نهم هیچ ارتباطی وجود ندارد یا اینکه این ارتباط فقط شامل تأثیر بعد نهم بر بعد پنجم است. در حالی که همین خانه در (جدول ۵) با رقم (۱) نشان داده شده و این موضوع نشان می‌دهد که بعد پنجم بر بعد نهم تأثیرگذار است یا ارتباط دو طرفه و تعاملی بین این دو بعد وجود دارد. در ماتریس دستیابی نهایی میزان وابستگی و نفوذ ابعاد نیز نشان داده شده است. (جدول ۵) نشان می‌دهد بعد اول دارای بیشترین میزان نفوذ و کمترین میزان وابستگی است. در حالی که بعد نهم دارای کمترین میزان نفوذ است. به غیر از این دو بعد می‌توان گفت دیگر ابعاد دارای میزان نفوذ و وابستگی تقریباً یکسانی هستند و این موضوع بیانگر هم‌وزنی نسبی این ابعاد در جریان علی و ساختاری تأثیرات آن‌ها است.

همان‌گونه که در (شکل ۲) نشان داده شده است، ابعاد نه گانه پژوهش حاضر در سه سطح دسته‌بندی می‌شوند. در سطح اول که بیانگر ابعادی است که تحت تأثیر دیگر ابعاد هستند، چهار بعد «تعامل فرم با زمینه»، «کلیت گرای»، «تنوع مقیاس و فرم در ارتباط با زمینه فرهنگی» و «کارکرد چندگانه بهره‌گیری از مفاهیم فرهنگی در فرم» قرار دارد. این ابعاد در عین این‌که تحت تأثیر سطوح پایین‌تر هستند، خود نیز در تعامل با یکدیگر بوده و بر هم تأثیرگذار هستند. در سطح دوم، چهار بعد «نمایش مضامین فرهنگی در قالب الگوسازی»، «بهینه‌سازی پاسخ‌های طراحی در تناسب با زمینه فرهنگی»، «اقتباس از معماری بومی و محلی با شیوه‌های جدید» و «رابطه بین فرم و زمینه فرهنگی با شیوه‌های غیر مستقیم» قرار دارد. ابعادی که در سطح دوم هستند هم قدرت تأثیرپذیری و هم قدرت نفوذ دارند. در سطح سوم که بالاترین میزان از نظر قدرت نفوذ و کمترین میزان تأثیرپذیری را دارد بعد «طراحی قاعده‌مند در ارتباط با زمینه فرهنگی» قرار دارد.

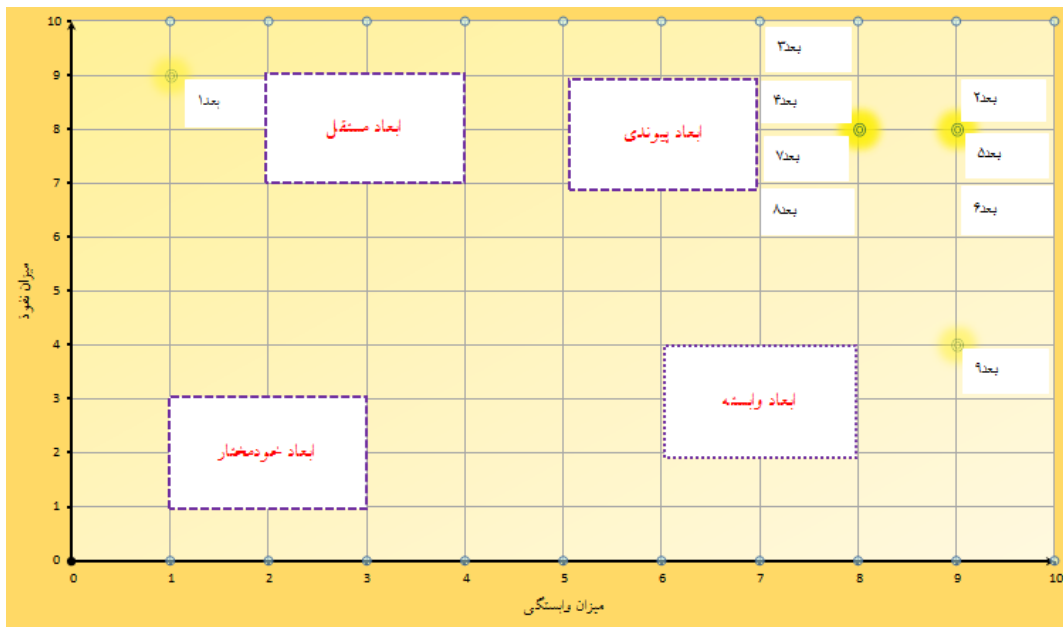
در تحلیل MICMAC ابعاد بر مبنای قدرت محرک و وابستگی، به چهار گروه عوامل خودمختار، وابسته، واسط و مستقل (محرک) تقسیم می‌شوند. خوشه اول، شامل عوامل خودمختار است که این عامل‌ها هم قدرت محرک و هم قدرت وابستگی ضعیفی دارند. این عامل‌ها، به‌طور نسبی از بقیه ابعاد جدا هستند و پیوند آن‌ها با ابعاد دیگر بسیار ناچیز و ضعیف است. عامل‌های وابسته، خوشه دوم را تشکیل می‌دهند که دارای قدرت محرک پایین و قدرت وابستگی قوی هستند. خوشه سوم، شامل عامل‌های پیونددهنده است که هم دارای قدرت محرک و هم قدرت وابستگی قوی هستند. این عامل‌ها ثابت نیستند، از آن جایی که هر تغییری در آن‌ها اتفاق می‌افتد، تأثیری بر دیگر متغیرها داشته و بازخورد این تأثیرات بر خود آن‌ها نیز، قابل لمس خواهد بود. خوشه چهارم، شامل عامل‌های مستقل هست که دارای قدرت محرک قوی اما قدرت وابستگی ضعیفی هستند. در خوشه‌بندی انجام گرفته، واضح است که بعد «طراحی قاعده‌مند در ارتباط با زمینه فرهنگی» به عنوان یک عامل ریشه‌ای در حالی که کمترین میزان تأثیرپذیری را از سایر عوامل دارد، می‌تواند قدرت تعیین‌کنندگی خیلی زیادی بر دیگر عوامل داشته باشد. در خوشه دوم که شامل ابعاد پیونددهنده هستند، هفت بعد «تعامل فرم با زمینه»، «کلیت گرای»، «تنوع مقیاس و فرم در ارتباط با زمینه فرهنگی»، «نمایش مضامین فرهنگی در قالب الگو سازی»، «بهینه سازی پاسخ‌های طراحی در تناسب با زمینه فرهنگی»، «اقتباس از معماری بومی - محلی با شیوه‌های جدید» و «رابطه بین فرم و زمینه فرهنگی با شیوه‌های غیر مستقیم» قرار دارند. در خوشه چهارم بعد «کارکرد چندگانه بهره‌گیری از مفاهیم فرهنگی در فرم» قرار دارد. این بعد بیانگر متغیرهایی است که کمترین نفوذ و بیشترین تأثیرپذیری را از دیگر ابعاد دارند. در (شکل ۳) میزان تعیین‌کنندگی ابعاد بر اساس تحلیل MICMAC ارائه شده است.

جدول ۵: ماتریس دستیابی نهایی

میزان نفوذ	بعد ۹-	بعد ۸-	بعد ۷-	بعد ۶-	بعد ۵-	بعد ۴-	بعد ۳-	بعد ۲-	بعد ۱-	
9	1	1	1	1	1	1	1	1	1	بعد ۱-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۲-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۳-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۴-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۵-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۶-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۷-
8	1	1	1	1	1	1	1	1	0	بعد ۸-
4	1	0	0	1	1	0	0	1	0	بعد ۹-
	9	8	8	9	9	8	8	9	1	میزان وابستگی



شکل ۲: سطح بندی ابعاد



شکل ۳: میزان تعیین کنندگی ابعاد بر اساس تحلیل MICMAC

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش، اولین سؤالی که پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به آن بود تبیین مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی بود که در راستای دستیابی به آن، در گام اول مشخصه‌های زمینه‌گرایی فرهنگی و سپس مشخصه‌های معماری پارامتریک مورد مطالعه قرار گرفت. در گام بعدی این مشخصه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته و بر اساس آن، مدلی که متشکل از ۴۴ معیار، ۲۰ مؤلفه و ۹ بعد هست، تبیین شد. در گام بعدی پژوهش که متناظر با هدف نهایی آن بود، سطح‌بندی ابعاد، شناسایی و ترسیم روابط ساختاری بین آن‌ها و ارزیابی میزان تعیین‌کنندگی هر کدام از ابعاد دنبال شد. برای این منظور از رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) و تحلیل MICMAC استفاده شد. نتایج این گام نشان داد که به غیر از بعد اول (طراحی قاعده‌مند در ارتباط با زمینه فرهنگی) که به عنوان متغیر مبنایی بر دیگر ابعاد تأثیرگذار بوده و کمتر تحت تأثیر آن‌ها بوده است، ماتریس دستیابی نهایی حاکی از ارتباط متقابل ابعاد دیگر هست. این به معنای آن است که سازه‌های فرهنگی مؤثر بر مدل معماری پارامتریک در یک مدل ساختاری علت و معلولی دارای ارتباط متقابلی با یکدیگر بوده و برای ترسیم این مدل باید روابط متقابل آن‌ها با یکدیگر مدنظر قرار گیرد.

در سطح‌بندی متغیرها مشخص شد فرایند علی‌ارتباط متغیرها با یکدیگر در سه سطح قابل تمییز است. در سطح اول که سطح ظاهری و پیامدی است متغیرهایی قرار می‌گیرند که بیشتر نتیجه و پیامد متغیرهای دو سطح دیگر بوده و در سطح واقعی‌تر به عنوان متغیرهای عینی‌تر قابل مشاهده هستند. در این سطح چهار بعد «تعامل فرم با زمینه فرهنگی»، «کلیت‌گرایی»، «تعامل مقیاس و فرم در ارتباط با زمینه فرهنگی» و «کارکرد چندگانه بهره‌گیری از مفاهیم فرهنگی در فرم» قرار دارد. این سطح بیانگر دو واقعیت مهم است به این نحو که فرم در معماری و زمینه‌های شکل‌گیری این فرم‌ها همانند یک کلیت به هم پیوسته هستند. فرم‌ها در زمینه و محتوای فرهنگی شکل می‌گیرند و خود این فرم‌ها هم می‌توانند در بلندمدت تبدیل به قالب‌های فرهنگی شوند که خطوط راهنمای طراحی معماری را تشکیل می‌دهند (Rapoport, 1979; Rapoport, 2013; Alexander, 2014). بنابراین می‌توان گفت معماری پارامتریک در صورتی که بخواهد موفق باشد باید بتواند بین فرم و عناصر فرهنگی که فرم در آن شکل می‌گیرد تعامل برقرار سازد. در این تعامل باید وجوه مختلف فرهنگی دیده شود و کارکردهای چندگانه عناصر فرهنگی برای ارتباط بهتر مخاطبین با این فرم‌ها مدنظر قرار گیرد. در سطح دوم، چهار بعد «نمایش مضامین فرهنگی در قالب الگوسازی»، «بهبودسازی پاسخ‌های طراحی در تناسب با زمینه فرهنگی»، «اقتباس از معماری بومی - محلی با شیوه‌های جدید» و «رابطه بین فرم و زمینه فرهنگی با شیوه‌های غیر مستقیم» قرار گرفته است. متغیرهایی که در این سطح قرار دارند بیانگر دو موضوع مهم هستند. موضوع اول اینکه فرهنگ می‌تواند اسلوب‌ها و الگوهایی را برای استفاده در الگوریتم‌های معماری پارامتریک فراهم سازد. نکته مهم دیگر این است که این الگوها همواره نیازمند به‌روزرسانی و بازتولید متناسب با تغییرات فرهنگی و نیازهای جدید جامعه هستند. این به‌روزرسانی می‌تواند با استفاده از روش‌های جدید و الگوهای نمادین و غیر مستقیم صورت گیرد (Ronagh & Zandieh, 2021; Khabazi, 2016; Rasuli et al., 2019; Eghbali & Karimi, 2017; Oxman, 2017; Barrios, 2005; Chien & Yeh, 2012; Jabi, 2013). این دو نکته از این منظر حائز اهمیت است که متغیرهای سطح دوم برای مداومت و رسیدن به مرحله تأثیرگذاری در سطح بالاتر نیازمند پویایی و بازنگری مداوم هستند. در این صورت می‌توان به دستیابی به الگوهای مشخصی برای ایجاد تعامل بین فرم و محتوای فرهنگی طرح‌های معماری امیدوار بود. در سطح زیرین و مبنایی ابعاد مدل مورد نظر فقط یک عامل مشاهده می‌شود و آن عبارت است از «طراحی قاعده‌مند در ارتباط با زمینه فرهنگی». با توجه به اینکه این متغیر در لایه زیرین سطوح تأثیرگذاری متغیرها قرار دارد، بنابراین می‌توان گفت نقطه شروع یک طرح معماری پارامتریک با در نظر گرفتن زمینه‌های فرهنگی آن، قاعده‌سازی و تدوین دستورالعمل‌های مشخص برای رسیدن به این اهداف است. این موضوع نیازمند نهادینه‌سازی تفکر و برنامه‌های عمل مشخص برای ترویج و تداوم اندیشه معماری زمینه‌گرا است.

- بهره‌گیری از وجوه فرهنگی زمینه جهت ایجاد فرصت ایده‌پردازی خلاقانه برای تعریف اسلوب‌ها و الگوهای مورد کاربرد در الگوریتم‌های معماری پارامتریک؛
- ترکیب مفاهیم فرهنگی با روابط ریاضی و هندسی از طریق دستیابی به زبان الگوریتم مشخص جهت امکان ورود الگوهای فرهنگی به صورت پارامتر در فرایند طراحی؛
- بازتولید و به‌روزرسانی الگوهای مورد کاربرد در فرایند طراحی پارامتریک متناسب با تغییرات فرهنگی و شرایط جامعه به کمک قابلیت‌های رویکرد طراحی پارامتریک در این زمینه.
- با توجه به یافته‌های پژوهش، جهت دستیابی به معماری پارامتریک با رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی در راستای ارتباط طرح با بستر فرهنگی و سیاست‌گذاری در این حیطه، می‌توان راهبردهای زیر را ارائه نمود.
- طراحی پروژه‌های معماری و شهری با رویکرد پارامتریک و توجه هم‌زمان به مؤلفه‌های فرهنگی برای تقویت تعاملات و ایجاد فضاهای زنده و پویای شهری؛
- طراحی عناصر جدید شهری به کمک رویکرد طراحی پارامتریک هم‌زمان با وارد کردن مؤلفه‌های فرهنگی زمینه در طراحی برای بوجود آوردن سازگاری و هم‌نشینی مطلوب میان عناصر جدید و عناصر قبلی موجود در بافت شهری؛
- مدیریت مسائل مربوط به محیط زیست، معماری پایدار و طراحی همساز با اقلیم، هم‌زمان با توجه به مباحث فرهنگی به کمک طراحی پارامتریک با توجه به قابلیت‌های این رویکرد در افزایش کارایی و بهبود عملکرد طرح در موضوعات ذکر شده؛
- وارد کردن رویکرد پارامتریک در طرح‌های نیازمند به سطح بالای بهینه‌سازی از نظر سرعت طراحی و ساخت، کارایی و عملکرد همراه با هماهنگی با بستر فرهنگی پروژه؛
- برگزاری سمینارها و نشست‌ها با هدف حل مشکلات و معضلات بافت‌های فرسوده با استفاده از قابلیت‌های طراحی پارامتریک مبتنی بر وجوه فرهنگی زمینه؛
- برگزاری مسابقات با موضوع معماری و شهرسازی پارامتریک مبتنی بر زمینه فرهنگی؛
- برنامه‌ریزی برای طراحی و اجرای فضاهای هماهنگ با مؤلفه‌های فرهنگی زمینه با محوریت داشتن اهمیت صرفه‌جویی در زمان طراحی و ساخت به کمک طراحی پارامتریک با رویکرد زمینه‌گرایی فرهنگی؛
- بهینه‌سازی راه‌حل‌های طراحی در راستای هماهنگی با مؤلفه‌های فرهنگی زمینه از طریق تغییر در پارامترهای مختلف در فرایند طراحی و دستیابی به آلترناتیوهای متعدد و چندبعدی.
- این پژوهش با هدف شناسایی و سطح‌بندی ابعاد مربوط به مدل معماری پارامتریک بر مبنای زمینه‌گرایی فرهنگی انجام گرفت. با توجه به محدودیت‌ها و خلأهای پژوهشی در حوزه مورد نظر، موضوعات زیر جهت پژوهش‌های آتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.
- انجام پژوهش بر مبنای مطالعه نمونه‌های موردی بناهای طراحی شده با رویکرد پارامتریک از منظر نقش زمینه فرهنگی در طراحی پروژه؛
- بررسی رابطه زمینه‌گرایی فرهنگی و معماری پارامتریک با محوریت داشتن و تمرکز بر هر یک از ابعاد تبیین شده در مدل در قالب پژوهش‌های جداگانه جهت تعمیق موضوع؛
- انجام پژوهش‌های مشابه در حیطه معماری پارامتریک و طراحی زمینه‌گرا و رابطه این دو حوزه با بهره‌گیری از روش‌های کیفی به‌ویژه مصاحبه با خبرگان و مطلعان کلیدی؛
- بررسی ارتباط زمینه‌گرایی فرهنگی و معماری پارامتریک در پروژه‌های طراحی شده در بسترها و زمینه‌های متفاوت و متنوع به کمک مطالعات تطبیقی؛

از خبرگان حوزه معماری و شهرسازی به ویژه اساتید محترم دانشگاه آزاد واحد تبریز و سندج که به عنوان جامعه آماری در پیشبرد تحقیق مشارکت داشته اند، سیاسگزاری می شود.

مشارکت نویسندگان

نگارش اولیه مقاله توسط مهلقا شاهد انجام گرفته و حسن ستاری ساربانقلی و ارسلان طهماسبی با بررسی و راهنمایی در انجام تحقیق یاری نموده‌اند.

فهرست منابع

- Al-Hammadi, N. A., & Grchev, K. (2023). Aspects of contextual architecture regarding traditional/contemporary architecture, physical/cultural and place identity: a systematic literature review. *Open House International*, 48(1), 119-140. <https://doi.org/10.1108/OHI-01-2022-0007>
- Alexander, C. (1977). *A pattern language: towns, buildings, construction*. Oxford university press.
- Alexander, C. (2014). *The Timeless Way of Building*. (Mehrdad Qayyumi Bidhandi, Trans). Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۳). معماری و راز جاودانگی: راه بی زمان ساختن. (مehرداد قیومی بیدهندی، مترجم). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- Arab Anvari, E., & Fayaz, R. (2019). Parametric Building Performance Simulation in the Early Architectural Design Stage: Mid-Rise Apartment in Hot and Dry Climate. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 11(23), 5-28. [In Persian]
- عرب انواری، احسان و فیاض، ریما. (۱۳۹۸). شبیه سازی پارامتریک کارایی ساختمان در مراحل اولیه طراحی: ساختمان مسکونی میان مرتبه در اقلیم گرم و خشک. نامه معماری و شهرسازی، ۱۱(۲۳): ۲۷-۵.
- Ashoori, D. (2009). *Definitions and concept of culture*. Tehran: Aghah Press. [In Persian]
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۸). تعریف ها و مفهوم فرهنگ. تهران: نشر آگاه.
- Azizi, Sh., Delpazir, A., & Moghaddam, P. (2012). Cultural Anthropology, a Mean for Analyzing Forming Factors of Architecture. *Hoviatshahr*, 6(12), 61-70. [In Persian]
- عزیزی، شادی؛ دلپذیر، علیرضا و مقدم، پریسا. (۱۳۹۱). انسان شناسی فرهنگی و سیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری. هویت شهر، ۶(۱۲): ۷۰-۶۱.
- Barati, N. (2004). Holistic and Atomic World Views and their Effects on the Architecture and Urbanism. *Bagh-e Nazar*, 1(1), 7-24. [In Persian]
- براتی، ناصر. (۱۳۸۳). جهان بینی کل نگر در برابر رویکرد جزءگرایانه در شهرسازی. باغ نظر، ۱(۱): ۲۴-۷.
- Bahrieh, P., Toofan, S., & Akbari Namdar, S. (2021). Investigation and Determination of the Evolution Process of Architecture in the Structure of the Tabriz bazaar with emphasis on contextualism. *Journal of Studies on Iranian – Islamic City*, 10(39), 5-18. [In Persian]
- بحریه، پروشا؛ طوفان، سحر و اکبری نامدار، شبنم. (۱۳۹۹). بازخوانی سیر تحول معماری در ساختار بازار تبریز با تأکید بر زمینه گرایی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۰(۳۹): ۱۷-۵.
- Barrios, C. (2005). Transformations on parametric design models: A case study on the Sagrada Familia columns. In *Computer Aided Architectural Design Futures 2005*, 393-400. https://doi.org/10.1007/1-4020-3698-1_37
- Boehm, D. (2002). *About creativity*. (Mohammad Ali Hossein Nejad, Trans). Tehran: Saghi Press. [In Persian]
- بوهم، دیوید. (۱۳۸۱). درباره خلاقیت. (محمدعلی حسین نژاد، مترجم). تهران: نشر ساقی.
- Brolin, B. C. (1980). *Architecture in context: Fitting new buildings with old*. Van Nostrand Reinhold.
- Caetano, I., Santos, L., & Leitão, A. (2020). Computational design in architecture: Defining parametric, generative, and algorithmic design. *Frontiers of Architectural Research*, 9(2), 287-300. <https://doi.org/10.1016/j.foar.2019.12.008>
- Capra, F. (1996). *The Tao of physics*. (Habiballah Dadfarma, Trans). Tehran: Keyhan. [In Persian]
- کاپرا، فریتوت. (۱۳۷۵). تائوی فیزیک. (حبیب الله دادفرما، مترجم). تهران: انتشارات کیهان.
- Cavalli-Sforza, V., & Ortolano, L. (1984). Delphi forecasts of land use: Transportation interactions. *Journal of transportation engineering*, 110(3), 324-339. [https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)0733-947X\(1984\)110:3\(324\)](https://doi.org/10.1061/(ASCE)0733-947X(1984)110:3(324))
- Chang, P. L., Hsu, C. W., & Chang, P. C. (2011). Fuzzy Delphi method for evaluating hydrogen production technologies. *International journal of hydrogen energy*, 36(21), 14172-14179. <https://doi.org/10.1016/j.ijhydene.2011.05.045>

- Chien, S. F., & Yeh, Y. T. (2012). On Creativity and Parametric Design. In: Proceedings of the 30th International eCAADe Conference, 1, 245-254.
- Dunn, N. (2019). Digital fabrication: advanced design and construction methods in architecture. (Golnaz Nouri, Trans). Tehran: Fekrenobook. [In Persian]
- دان، نیک. (۱۳۹۸). دیجیتال فبریکیشن: روش های پیشرفته طراحی و ساخت در معماری. (گلناز نوری، مترجم). تهران: کتاب فکر نو.
- Eghbali, S., & Karimi, S. (2017). Troubleshooting form-rise buildings using parametric design process and compare the output optimized form in terms of radiation exposure. *Urban Management*, 45, 225-238. [In Persian]
- اقبال، سیدرحمان و کریمی، شیما. (۱۳۹۵). فرم یابی ساختمان های بلند با استفاده از فرایند طراحی پارامتریک و مقایسه فرم های بهینه خروجی از نظر میزان دریافت نور مستقیم تابشی. مدیریت شهری، ۴۵: ۲۳۸-۲۲۵.
- ElBatan, R. M., & Ismaeel, W. S. (2021). Applying a parametric design approach for optimizing daylighting and visual comfort in office buildings. *Ain Shams Engineering Journal*, 12(3), 3275-3284. <https://doi.org/10.1016/j.asej.2021.02.014>
- Elghandour, A., Saleh, A., Aboeeneen, O., & Elmokadem, A. (2016). Using Parametric Design to Optimize Building's Façade Skin to Improve Indoor Daylighting Performance. In the Proceedings of the 3rd IBPSA-England Conference BSO.
- Eltaweel, A., & Yuehong, S. U. (2017). Parametric design and daylighting: A literature review. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 73, 1086-1103. <https://doi.org/10.1016/j.rser.2017.02.011>
- Ganjisafar, H. (2023). Sustainability and Bionic Biological Strategies as Parametric Patterns in Architectural Design. *International Journal of Bionic Architecture*, 3(8), 47-60. [In Persian]
- گنجی صفار، حامد. (۱۴۰۲). پایداری و استراتژی های زیست شناختی بیونیک به مثابه الگوهای پارامتریک در طراحی معماری. نشریه بوطیقای معماری، ۳(۸): ۴۷-۶۰.
- Gerber, D. J., & Pantazis, E. (2016). A multi-agent system for façade design: a design methodology for design exploration, analysis and simulated robotic fabrication. In: Proceedings of the 36th Annual Conference of the Association for Computer Aided Design in Architecture, 12-23.
- Ghalehnoee, M. (2023). Origins of Thought and Methods of Contextualism in Urbanism, Architecture and Fields Affecting the Two, From the 1960s to the Present. *Journal of Space and Place Researches*, 25(1), 5-28. [In Persian]
- قلعه نویی، محمود. (۱۴۰۱). خاستگاه های اندیشه و روش زمینه گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه های تأثیرگذار بر این دو از دهه ۱۹۶۰ تاکنون. نشریه پژوهش های مکانی فضایی، ۲۵(۱): ۲۸-۵.
- Golkar, K. (1999). Exploration in the definition of urban design. Ministry of Housing and Urban Development Studies and Research Center. [In Persian]
- گلکار، کورش. (۱۳۷۸). کندوکاوی در تعریف طراحی شهری. مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی.
- Grobman, Y., & Neuman, E. (2012). *Performatism: form and performance in digital architecture*. Routledge.
- Habibi, A., Izadyar, S., & Serafraz, A. (2014). Fuzzy multi-criteria decision making. Tehran: Simayedaneh. [In Persian]
- حبیبی، آرش؛ ایزدیاری، صدیقه و سرافرازی، اعظم. (۱۳۹۳). تصمیم گیری چندمعیاره فازی. تهران: نشر سیمای دانش.
- Hajizadeh_Alamdari, K., Etesam, I., & Mokhtabad_Amri, S.M. (2020). Analysis of contextualism in traditional Iranian architecture (Study sample: Sadeghi House, Ardabil). *Quarterly of Geography (Regional Planing)*, 10(4), 235-251. [In Persian]
- حاجی زاده علمداری، کوروش؛ اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص های زمینه گرایی در آثار معماری سنتی ایران (نمونه مطالعاتی: خانه صادقی اردبیل). جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۰(۴): ۲۵۱-۲۳۵.
- Hajizadeh Alamdari, K., Etesam, I., & Mokhtabad_Amri, S.M. (2021). Evaluation of contextualism indicators in the architectural design process. *Quarterly of Geography (Regional Planing)*, 11(2), 115-123. [In Persian]
- حاجی زاده علمداری، کوروش؛ اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). ارزیابی شاخص های زمینه گرایی در فرایند طراحی معماری. جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۱۱(۲): ۱۲۳-۱۱۵.
- Hasanpour Loumer, S., Nejad Ebrahimi, A., Sattarisarbangholi, H., & Vandshoari, A. (2023). Understanding the Cultural Components Affecting the Formation of the Architectural Ornamentation of the Historical City of Masouleh. *National Studies*, 93(1), 59-80. [In Persian]
- حسن پور لمر، سعید؛ نژادابراهیمی، احد؛ ستاری ساربانقلی، حسن و وندشعاری، علی. (۱۴۰۲). مولفه های تاریخی مؤثر بر شکل گیری آرایه های معماری شهر تاریخی ماسوله. فصلنامه مطالعات ملی، ۹۳(۱): ۸۰-۵۹.
- Hernández Falagán, D., & Ziaiebigdeli, M. (2022). Parametric Architecture beyond Form—Klein and Price: Pioneers in Computing the Quality of Life in Housing. *Architecture*, 2(1), 1-17. <https://doi.org/10.3390/architecture2010001>
- Hillier, B., & Hanson, J. (1989). *The social logic of space*. Cambridge university press.
- Homaei, J. (2000). *Molavi Namah*. Tehran: Homa Publishing. [In Persian]
- همایی، جلال الدین. (۱۳۷۹). مولوی نامه (مولوی نامه چه می گوید؟). تهران: مؤسسه نشر هما.

<https://www.archdaily.com>

- Imani, E. (2015). Examining different approaches of adapting to the context to strengthen the position of contextualism in the architectural planning process. *Journal of Iranian Architecture & Urbanism*, 10, 29-44. [In Persian]
- ایمانی، النا. (۱۳۹۴). بررسی رویکردهای مختلف سازگاری با زمینه جهت تقویت جایگاه زمینه‌گرایی در فرایند برنامه‌دهی معماری. *انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، ۱۰: ۲۹-۴۴.
- Jabi, W. (2013). *Parametric design for architecture*. London, UK: Laurence King Publishing Ltd.
- Jabi, W., Soe, S., Theobald, P., Aish, R., & Lannon, S. (2017). Enhancing parametric design through non-manifold topology. *Design Studies*, 52, 96-114. <https://doi.org/10.1016/j.destud.2017.04.003>
- Jacobus, F., Carpenter, A., Loerts, R. S., Nunzio, A., & Bedeschi, F. (2023). *Architectonics and Parametric Thinking: Computational Modeling for Beginning Design*. Routledge.
- Janssen, P., & Stouffs, R. (2015). Types of parametric modelling. In: *Proceedings of the 20th International Conference of Association for Computer-Aided Architectural Design Research in Asia CAADRIA*, 157-166.
- Kensek, K., & Noble, D. (2014). *Building information modeling: BIM in current and future practice*. John Wiley & Sons.
- Khabazi, Z. (2016). *Algorithmic architecture paradigm*. Mashhad: Kasrapublishing. [In Persian]
- خبازی، زوبین. (۱۳۹۵). پارادایم معماری الگوریتمیک. مشهد: کتابکده کسری.
- Khasm_Afkan Nezam, E., Navidi_Majd, F., & Fadavi Anbiayee, B. (2020). Re-evaluation of the Patterns and Practices of Contextual Architecture in Islamic Cities in the Age of Globalization. *Culture of Islamic Architecture and Urbanism Journal*, 5(1), 123-149. [In Persian]
- خصم افکن نظام، عرفان؛ نویدی مجد، فرشته و فدوی انبیا، بابک. (۱۳۹۹). بازشناسی الگوها و رویه‌های معماری زمینه‌گرا در اندیشه و شهرهای اسلامی در عصر جهانی‌سازی. *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*، ۱۵(۱): ۱۴۹-۱۲۳.
- Kollar, L. P. (1985). *On the Whole and the Part*. University of New South Wales, Faculty of Architecture.
- Lee, C., Shin, S., & Issa, R. R. (2023). Rationalization of Free-Form Architecture Using Generative and Parametric Designs. *Buildings*, 13(5), 1-17. <https://doi.org/10.3390/buildings13051250>
- Liu, H., Jiao, J., & Zhang, N. (2016). Research on nonlinear thinking of landscape architecture design based on computer-aided parametric model. *International Journal of Multimedia and Ubiquitous Engineering*, 11(8), 333-344. <http://dx.doi.org/10.14257/ijmue.2016.11.8.34>
- Meredith, M., & Sasaki, M. (2008). *From control to design: parametric/algorithmic architecture*. Actar-D.
- Modaberian, A., & Pakdel Fard, M. (2022). The paradigm of parametric architecture in Islamic architecture of Iran. *Journal of urban design studies and urban research*, (1), 15-26. [In Persian]
- مدبریان، علی و پاکدل فرد، محمدرضا. (۱۴۰۱). پارادایم معماری پارامتریک در آثار معماری اسلامی ایران. *مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*، ۱: ۲۶-۱۵.
- Moini, J. (2008). *Theory and culture*. Tehran: Center for International Cultural Studies and Research. [In Persian]
- معینی، جهانگیر. (۱۳۸۷). نظریه و فرهنگ. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی.
- Molaei, A. (2023). Redefinition the Contextual Urban Competitiveness Potentials in Cities and Regions Development. *Journal of Development strategy*, 19(1), 100-142. [In Persian]
- مولائی، اصغر. (۱۴۰۲). بازشناسی ظرفیت‌های رقابت پذیری زمینه‌گرای شهری در توسعه شهرها و مناطق. *فصلنامه راهبرد توسعه*، ۱۹(۱): ۱۴۲-۱۰۰.
- Mostaghni, A., & Alimoradi, M. (2016). Analysis the application of the nature geometry and the fractal in parametric architecture: The Interior ornament of the dome of the Sheikh Lotfollah mosque. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 8(16), 103-122. [In Persian]
- مستغنی، علیرضا و علیمراد، محسن. (۱۳۹۵). واکاوی کاربرد هندسه طبیعت و فراکتال در معماری پارامتریک با بررسی آرایه‌ی داخلی گنبد مسجد شیخ لطف‌الله. *نامه معماری و شهرسازی*، ۱۶(۸): ۱۲۱-۱۰۳.
- Naghavi, P., & Mazaherian, H. (2019). Analysis of Contemporary Theories When Encountering the Context in Architectural Design. *Bagh-e Nazar*, 16(74), 69-80. [In Persian]
- نقوی، پویان و مظاہریان، حامد. (۱۳۹۸). تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری. *باغ نظر*، ۱۶ (۷۴): ۸۰-۶۹.
- Nematimehr, M. (2005). The principle of totality in urban design. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, (22), 5-14. [In Persian]
- نعمتی مهر، مرضیه السادات. (۱۳۸۴). اصل کلیت در طراحی شهری. *هنرهای زیبا*، ۲۲: ۵-۱۴.
- Nesbitt, K. (2008). *Postmodern theories in architecture*. (Mohammad Reza Shirazi, Trans). Tehran: Ney. [In Persian]
- نسبیت، کیت. (۱۳۸۷). نظریه‌های پسامدرن در معماری. (محمد رضا شیرازی، مترجم). تهران: نی.
- Noghsanmohammadi, M., & Abbasi, M. (2020). The Effects of Cultural Contextualism on Historical Textures in Abarkooh. *Farhang Yazd*, 2(6), 121-145. [In Persian]
- نقصان محمدی، محمدرضا و عباسی، مهسا. (۱۳۹۹). زمینه‌گرایی فرهنگی در مداخلات بافت تاریخی ابرکوه. *فرهنگ یزد*، ۲(۶): ۱۴۵-۱۲۱.
- Okoli, C., & Pawlowski, S. D. (2004). The Delphi method as a research tool: an example, design considerations and

- applications. Information & management, 42(1), 15-29. <https://doi.org/10.1016/j.im.2003.11.002>
- Oxman, R. (2017). Thinking difference: Theories and models of parametric design thinking. Design studies, 52, 4-39. <https://doi.org/10.1016/j.destud.2017.06.001>
- Queiroz, N., & Vaz, C. (2015). Designing a Building envelope using parametric and algorithmic processes. In: Proceedings of the 19th Conference of the Iberoamerican Society of Digital Graphics, 797-801.
- Rapoport, A. (1979). Cultural origins of architecture. Introduction to architecture, 2-20.
- Rapoport, A. (2013). Pour une anthropologie de la maison. (Khosro Afzalain, Trans). Mashhad: Kasrapublishing. [In Persian]
- رأپورٲ، آموس. (۱۳۹۲). انسان شناسی مسکن. (خسرو افضلیان، مترجم). مشهد: کتابکده کسری.
- Rashidi, S., Toofan, S., & Nejadabrahimi, A. (2023). The Role of Context-oriented Management in the Formation of the Historical Landscape of Takht Suleiman. Journal of Urban Management Studies, 15(53), 1-17. [In Persian]
- رشیدی، سید منصور؛ طوفان، سحر و نژادابراهیمی، احد. (۱۴۰۲). نقش مدیریت زمینه‌گرا در شکل‌گیری منظر تاریخی تخت سلیمان. مطالعات مدیریت شهری، ۱۵(۵۳): ۱-۱۷.
- Rasuli, M., Shahbazi, Y., & Matini, M. (2019). Horizontal and Vertical Movable Drop-Down Shades Performance in Double Skin Façade of Office Buildings; Evaluation and Parametric Simulation. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning, 9(2), 135-144. [In Persian]
- رسولی، مسعود؛ شهبازی، یاسر و متینی، محمدرضا. (۱۳۹۸). عملکرد سایه‌اندازه‌های کرکره‌ای افقی و قائم متحرک در نمای دو پوسته ساختمان‌های اداری؛ ارزیابی و شبیه‌سازی پارامتریک. نقش جهان، ۹(۲): ۱۳۵-۱۴۴.
- Ronagh, E., & Zandieh, M. (2021). Exploring the Digital Approach to Redefining Decoration Design in Islamic Architecture Inspired by the Teachings of the Holy Quran. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning, 10(4), 255-263. [In Persian]
- رونق، احسان و زندیه، مهدی. (۱۳۹۹). بررسی رویکرد دیجیتال در باز تعریف طراحی تزئینات در معماری اسلامی با الهام از آموزه‌های قرآن مجید. نقش جهان، ۱۰(۴): ۲۶۳-۲۵۶.
- Samadi-Miarkolaei, H., Samadi-Miarkolaei, H., & Bastami, M. (2019). The application of Fuzzy Delphi Method and Fuzzy AHP in Verification and Ranking of Effective Indexes on Organizational Entrepreneurship. Journal of Innovation and Entrepreneurship, 6(11), 61-74. [In Persian]
- صمدی میارکلائی، حسین؛ صمدی میارکلائی، حمزه و بسطامی، مسعود. (۱۳۹۶). بکارگیری روش دلفی فازی و فرآیند تحلیل سلسله مراتب گروهی فازی در شناسایی و رتبه‌بندی شاخص‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی سازمانی. نشریه نوآوری و ارزش آفرینی، ۶(۱۱): ۷۴-۶۱.
- Schumacher, P. (2009). Parametricism: A new global style for architecture and urban design. Architectural Design, 79(4), 14-23. <https://doi.org/10.1002/ad.912>
- Schumacher, T. (1971). Contextualism. Urban Ideals and Deformation. Casa bella, (359), 78-86.
- Tantawy, A. R. (2022). Toward the formulation of a proposed frame for the formal and structural specifications of the modern parametric digital architecture. Beni-Suef University Journal of Basic and Applied Sciences, 11(1), 1-16. <https://doi.org/10.1186/s43088-022-00195-2>
- Tarashi, M., & Gharaei, F. (2015). Neighborhood Design Using Parametric Design Method Based on Patterns of Traditional Urban Textures in Kashan City. Journal of Architecture and Urban Planning, 8(15), 97-112. [In Persian]
- تراشی، منا و قرایی، فریبا. (۱۳۹۴). طراحی واحد همسایگی با شیوه طراحی پارامتریک و با الگوگیری از بافت ارگانیک و سنتی در شهر کاشان. نامه معماری و شهرسازی، ۸(۱۵): ۹۷-۱۱۲.
- Terzidis, K. (2003). Expressive form: A conceptual approach to computational design. Routledge.
- Wang, Y., & Chen, L. (2022). Architectural and landscape garden planning integrated with artificial intelligence parametric analysis. Security and Communication Networks, 2022, 1-9. <https://doi.org/10.1155/2022/8577269>
- White, E. T. (2012). Concept sourcebook: a vocabulary of architectural forms. (Mohammad Ahmadinejad, Trans). Isfahan: Khak. [In Persian]
- وایت، ادوارد. ت. (۱۳۹۱). مفاهیم پایه در معماری. (محمد احمدی نژاد، مترجم). اصفهان: نشر خاک.
- Woodbury, R. (2010). Elements of Parametric Design. Routledge
- Yazdanfar, A., Hosseini, B., & Zaroudi, M. (2014). Culture and House Form (Case Study: Traditional Houses in Tonekabon and Ramsar). Housing and Rural Environment, 32(144), 17-32. [In Persian]
- یزدانفر، عباس؛ حسینی، باقر و زرودی، مصطفی. (۱۳۹۲). فرهنگ و شکل خانه (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر). مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۴): ۱۷-۳۲.
- Yazdani, H., Jalali, N., & Moazeni, B. (2018). An Organizational Change Readiness Model to Implement Business Processes. Quarterly Journal of Bi Management Studies, 7(25), 41-84. [In Persian]
- یزدانی، حمیدرضا؛ جلالی، نیلوفر و موذنی، بهرام. (۱۳۹۷). مدل آمادگی تغییر سازمانی جهت پیاده‌سازی فرآیندهای کسب و کار. فصلنامه مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند، ۷(۲۵): ۸۴-۴۱.

- Yoo, Y. S., Cho, M., Eum, J. S., & Kam, S. J. (2020). Biomorphic clothing sculpture interface as an emotional communication space. *Frontiers in Psychology*, 11, 117. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.00117>
- Yu, R., & Gero, J. (2015). An empirical foundation for design patterns in parametric design. In: *Proceedings of the 20th International Conference of the Association for Computer-Aided Architectural Design Research in Asia*. 551-560.
- Zandieh, M., & Ronagh, E. (2020). The use of the Holy Quran tunes in the production of geometrical decoration for Iranian architecture based on the parametric architecture. *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 9(4), 273-286. [In Persian]
- زندیه، مهدی و رونق، احسان. (۱۳۹۸). کاربرد مقامات قرآن مجید در تولید تزئینات هندسی برای معماری اسلامی ایران بر مبنای معماری پارامتریک، نقش جهان، ۹(۴): ۲۸۶-۲۷۳.
- Zarei, Y. (2012). *The challenges of parametric design in architecture today: Mapping the design practice*. (Doctoral Thesis). The University of Manchester, United Kingdom.
- Zelner, P. (2007). *Hybrid Space: new forms in digital architecture*. (Alireza Seyedahmadian & Hamid Khodapanahi, Trans). Tehran: Honar-e Memari Publication. [In Persian]
- زلنر، پیتر. (۱۳۸۶). فضای هیبریدی: فرم های جدید در معماری دیجیتال. (علیرضا سیداحمدیان و حمید خداپناهی، مترجمان). تهران: هنر معماری قرن.
- Ziaee, A., Moztaazadeh, H., & Movahed, KH. (2020). The Role of Parametric System in the Analysis of Sim Van Der Ryn's Ecological Architecture Principles in Iranian Plateau. *Journal of Architect, Urban Design & Urban Planning*, 13(30), 167-182. [In Persian]
- ضیایی، علی؛ مضطرزاده، حامد و موحد، خسرو. (۱۳۹۹). نقش سیستم پارامتریک در تحلیل اصول معماری بوم شناختی سیم ون در رین در فلات ایران. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۳(۳۰): ۱۸۲-۱۶۷.